

بررسی پدیده خشونت کلامی در پرتو مفهوم بیان تنفرآمیز در اسناد بین‌المللی حقوق بشری

امیر قائدی دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

کریم صالحی استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

مرتضی صادقی دهسحرایی استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

چکیده

بیان تنفرآمیز، که نوع خاصی از خشونت کلامی است، به استفاده از زبان برای ابراز نفرت یا تحقیر یک فرد یا گروه خاص می‌پردازد. این بیان می‌تواند نسبت به گروه‌های اجتماعی، نژادی، مذهبی، قومی، یا جنسیتی باشد و بر مبنای کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌های منفی شکل می‌گیرد. استفاده از چنین زبان‌هایی می‌تواند به تبعیض، تعصب و حتی خشونت فیزیکی علیه افراد یا گروه‌های هدف منجر شود. در نوشتار حاضر، ضمن بررسی مفهوم بیان تنفرآمیز با تکیه بر اسناد بین‌المللی حقوق بشری، مفهوم خشونت کلامی در پرتو مقوله بیان تنفرآمیز، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بیان تنفرآمیز عنوان و اصطلاحی است که با مفهوم خشونت کلامی، ارتباط وثیق و مستقیم دارد. به‌طور معمول، در بسیاری از اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر، مقوله بیان تنفرآمیز، برای نام‌گذاری طیف وسیعی از خشونت‌های کلامی به کار می‌رود و به سبب وجود همین ارتباط، به نظر می‌رسد بررسی و تحلیل پدیده خشونت کلامی در پرتو مفهوم بیان تنفرآمیز در اسناد بین‌المللی، یک ضرورت است. بر این اساس، خشونت کلامی، یک مصداق آشکار و نمونه بارز برای بیان تنفرآمیز محسوب شده و بنابراین مشمول ممنوعیت‌های مطرح در باب ارتکاب بیان تنفرآمیز قرار می‌گیرد.

خشونت کلامی، بیان تنفرآمیز، اسناد بین‌المللی حقوق بشری، آزادی بیان، نفرت
افکنی.

واژگان کلیدی:

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

Investigating the phenomenon of verbal violence in the light of the concept of hate speech in international human rights documents

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year , Issue 24

Pages 1-23

Amir Ghaedi	PhD Student, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran
Karim Salehi	Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)
Morteza Sadeghi Dehsahraei	Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

Abstract

Hate speech, which is a specific type of verbal violence, involves the use of language to express hatred or contempt for a particular individual or group. This speech can be directed at social, racial, religious, ethnic, or gender groups and is based on negative stereotypes and prejudices. The use of such language can lead to discrimination, prejudice, and even physical violence against targeted individuals or groups. In this article, while examining the concept of hate speech based on international human rights documents, the concept of verbal violence is discussed and examined in light of the category of hate speech. Hate speech is a title and term that is closely and directly related to the concept of verbal violence. Typically, in many international human rights documents, the term hate speech is used to designate a wide range of verbal violence, and due to this connection, it seems necessary to examine and analyze the phenomenon of verbal violence in light of the concept of hate speech in international documents. Accordingly, verbal violence is considered a clear and obvious example of hate speech and is therefore subject to the prohibitions on committing hate speech.

Keywords: Verbal violence, hate speech, international human rights documents, freedom of expression, hate speech.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

اشکال و جلوه‌های ابراز خود امکان پیشرفت درونی و ذاتی به انسان داده و افکار و عقاید مختلف را در مکان ارزیابی قرار می‌دهد؛ اما این آزادی نیز از جمله آزادی‌های مطلق برشمرده شده برای انسان نیست و در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای این حق با حدود و مستثنیات روبه‌رو است. آزادی بیان با تکالیف و مسئولیت‌هایی همراه است. از جمله مواردی که می‌تواند آزادی بیان را محدود نماید امنیت ملی، اخلاق عمومی، نظم عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران است. آیا توجیهاتی که برای آزادی بیان ذکر شد کافی است تا ما با بیان تنفرآمیز خود گروه‌های مختلف نژادی، مذهبی، جنسی و قومی را مورد حمله قرار داده و حتی حقوقی از آنها را تضييع نماييم؟ چنین بیانی مابنی و اصول را دیگر یک جامعه انسانی و حقوق بشری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، مابنی مثل برابری در حمایت و شأن و منزلت برابر و احترام به دیگران. حتی این امکان وجود دارد که افراد در چنین گروه‌هایی در معرض تبعیض و خشونت قرار بگیرند و حتی این امکان نیز است که در نتیجه این بیانات دشمنی و خشونتی که برخلاف تعهدات کلیه کشورها طبق منشور سازمان ملل است شکل بگیرد. این بیانات دارای این پتانسیل هستند که افراد گروه‌های خاص را از بهره‌مندی تضمینات حقوق بشری به‌صورت یک جمع در برابر بقیه جامعه و در کنار آنها محروم نماید. در این مبحث سعی بر آن است که مفهوم، ماهیت و انواع این نوع از بیان، مورد توجه قرار گرفته و به شناختی کلی در این خصوص برسیم.

بیان تنفرآمیز، از جمله مفاهیم و موضوعات قابل توجه و پرتکرار در بحث از خشونت کلامی و ممنوعیت ارتکاب این نوع خشونت است. در اسناد بین‌المللی حقوق بشری که مهم‌ترین منابع شناسایی این حقوق برای انسان امروزی هستند، بیان تنفرآمیز، مورد توجه بوده و ارتکاب آن، یکی از جلوه‌های بارز نقض کرامت انسانی دانسته شده است. گونه‌های مختلفی می‌توان برای بیان تنفرآمیز در نظر گرفت که خشونت کلامی، یکی از مهم‌ترین این گونه‌هاست. از سوی دیگر، مقوله‌ای که در ارتباط با بیان تنفرآمیز و خشونت کلامی مطرح است، مقوله آزادی بیان است. امروزه باینکه آزادی بیان، از جمله حق‌های بنیادین بشری و شهروندی محسوب می‌گردد، ولی امروزه به سبب اعتقاد به ممنوعیت ارتکاب خشونت کلامی و بیان تنفرآمیز، حق آزادی بیان، نمی‌تواند یک حق مطلق و استثناپذیر محسوب گردد. در تحقیق حاضر، کوشش شده است ضمن بررسی مفهوم بیان تنفرآمیز، با نگاهی به رویکرد اسناد بین‌المللی حقوق بشری، ارتباط آن با خشونت کلامی، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱- مفهوم بیان تنفرآمیز

آزادی بیان در جوامع دموکراتیک به‌عنوان یکی از اصول و پایه‌های جامعه است. بدون آزادی بیان امکان دستیابی به دموکراسی واقعی، پیشرفت و دوام آن امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر این آزادی بیان است که با

۲- شناسایی بیان تنفرآمیز

اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی به مقوله اقدامات تنفرآمیز توجه نموده و در راستای حمایت از حقوق افراد به ذکر این مفهوم پرداخته‌اند. بدین‌صورت که ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۲ مقرر میدارد: «هرگونه تلاش و اقدام به کینه و تنفر نژادی، ملی یا مذهبی که منجر به ترغیب به تبعیض، دشمنی و یا خشونت می‌شود به‌موجب قانون ممنوع است». البته در این ماده منحصرأً به بیان تنفرآمیز اشاره نکرده بلکه به‌طور کلی هرگونه اقدام منجر به کینه و تنفر نژادی ملی یا مذهبی را مورد توجه قرار داده است و در ادامه این‌گونه اقدامات را در صورتی مورد ممنوعیت قرار داده که نتیجه تبعیض، دشمنی و یا خشونت را در برداشته باشد. به‌عبارت‌دیگر ماده ۲۰ میثاق و حتی نظریات کلی کمیته حقوق بشر که نهاد ناظر بر این میثاق است که در موارد و موقعیت‌های ابهام‌آمیز، اقدام به ابراز تفاسیری از مواد کنوانسیون می‌نماید، هیچ تعریف به خصوصی از این‌گونه بیان ارائه ننموده است. پس اگر بخواهیم با توجه به این ماده عناصر بیان تنفرآمیز را مورد ملاحظه قرار دهیم و مشخصه این‌گونه بیان را از بیاناتی دیگر که مورد حمایت قانون است، متمایز نماییم؛ باید به ابراز کینه و تنفر با وصف نژادی، ملی و مذهبی اشاره کرد که البته به نظر می‌رسد این اوصاف کامل نباشد و موارد دیگر را در بر می‌گیرد. فضایی که در این ماده تدوین شده است، بیشتر حساسیت بر روی تنفر نژادی بود. البته این ماده ملیت و مذهب را نیز مورد توجه

قرار داده است. همچنین این ماده توجه ویژه‌ای به خشونت، تبعیض و دشمنی نموده و به نظر می‌رسد ماده ۲۰ کنوانسیون تأثیرات ذکر شده را در خصوص بیانات تنفرآمیز مفروض می‌داند و در نهایت باید این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که ماده ۲۰ صرفاً به عناصر و فاکتورهایی در این خصوص بسنده کرده و همانند مفاهیمی مثل نظم عمومی، اخلاق و یا امنیت ملی تعریفی در باب بیان تنفرآمیز ارائه ننموده است. در کنوانسیون‌های منطقه‌ای مثل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هیچ‌گونه توجهی به این مفهوم نشده است؛ اما در بند ۵ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر تمهیداتی مشابه ماده ۲۰ میثاق مورد توجه قرار گرفته است. این ماده پیشبینی نموده که: «هرگونه تبلیغ به جنگ یا هرگونه ترغیب به کینه و تنفر ملی، نژادی و مذهبی که محرک خشونت غیرقانونی یا هر اقدام مشابه دیگر علیه هر فرد یا گروهی از افراد در هر زمینه‌ای از جمله نژاد، رنگ، مذهب و یا ملیت باشد به‌وسیله قانون قابل مجازات است.» این ماده نیز همانند میثاق تعریفی از بیان تنفرآمیز ارائه ننموده اما اقدامات منجر به خشونت که از روی دشمنی نژادی و ملی و مذهبی باشد را ممنوع دانسته است. با توجه به اینکه در اسناد بین‌المللی تعریفی از بیان تنفرآمیز ارائه نشده است لاجرم برای رسیدن به یک تعریف می‌بایست ادبیات حقوقی را در این مورد مدنظر قرارداد. نویسندگان در کشورهای مختلف، همواره تعاریف و عناصری متفاوت را در خصوص بیان تنفرآمیز بیان نموده‌اند. در این قسمت سعی بر آن است که

ایراد اول قابل قبول نباشد به عبارتی تحقق بیان تنفرآمیز نیازمند تنفر افراطی نبوده و هرگونه تنفیری که منجر به این دسته از بیانات گردد در قالب تعریف ما از بیان تنفرآمیز قرار می‌گیرد. منتقد با این پیش فرض بیان تنفرآمیز را تعریف نموده که تنفر افراطی منجر به شکل‌گیری بیان تنفرآمیز می‌شود و به عبارت دیگر وقتی این تنفر در درون شخصی به حد بالا و افراطی می‌رسد و از حالت معمول خود خارج می‌گردد، شخص اقدام به ابراز و نتیجتاً تحقق بیان تنفرآمیز می‌نماید پس فردی که با یک احساس سطحی تنفر بیانی را ابراز کند شامل تعریف نمی‌شود در صورتی که این بیان نیز می‌تواند بیان تنفرآمیز باشد (سودمندی، ۱۳۹۰: ۷۲). تعریف دیگر این است که «بیان تنفرآمیز بیانی است بر مبنای تعصبات و ناپردباری که هدف این بیانات افرادی هستند که دارای خصیصه‌های قابل تمایز است. گویندگان چنین بیانی مخاطبین خود را از اعضا گروه‌هایی اجتماعی بر مبنای جنس، گرایش‌های جنسی، نژاد، قوم، ملیت، از طریق تهدید، توهین یا استفاده از روش‌های تحقیرآمیز و موهن با کمک کلماتی که این معانی را می‌رساند، مورد شناسایی قرار می‌دهند. این بیان می‌تواند از طریق کلمات تحقیرآمیز، کاریکاتورهای موهن، تحریک به خشونت، نقاشی و ... جلوه نماید.» (Han, 2006: 680) این تعریف از بیان تنفرآمیز، کامل‌تر از مورد قبلی بوده و یکی از فاکتورهای تحقق بیان تنفرآمیز را احساسات و تعصبات گوینده مطلب نسبت به گروه‌های دیگر اجتماعی می‌داند از طرف دیگر

به تعریفی جامع از بیان تنفرآمیز دست‌یافت که عبارت است از: «بیانی که بیانگر تنفر و یا ناپردباری از دیگر گروه‌های اجتماعی که اغلب بر مبنای نژاد و جنسیت است.» پس برای جلوگیری از بیان تنفرآمیز باید از بیانی که بیانگر بیزاری و یا عدم بردباری افراطی است ممانعت نمود. (post, 2009:124) تعریف فوق، به‌طور اجمالی توصیفی از بیان تنفرآمیز نموده است و در آن دو معیار برای شناسایی این بیان تبیین شده است. اول، بیان تنفرآمیز باید دربردارنده نوعی نفرت و بیزاری و یا حتی ناپردباری نسبت به گروه‌های دیگر باشد و دوم، اشاره به گروه‌های اجتماعی مثل گروه‌ها و اقلیت‌های نژادی و جنسیتی نموده است. عده‌ای به این تعریف دو نقد و ایراد وارد نموده‌اند اول آنکه بیان تنفرآمیز باید به‌صورت افراطی و بیش‌ازحد متعادل و عادی دربردارنده عنصر بیزاری و یا تنفر باشد. چراکه این عنصر شرط مقدماتی برای تحقق این نوع بیان است. تنفر، بیزاری و ناپردباری از جمله احساسات لازم بشری است که در رابطه با مقولاتی مثل بی‌عدالتی، خشونت علیه زنان و کودکان، عدم احقاق حق زیان‌دیده نه‌تنها مذموم نیست بلکه موردقبول و ستایش است و هیچ نظام حقوقی نمی‌تواند اقدام به اعمال محدودیت و حتی نسخ چنین احساساتی نماید (Bourgeois, 2010: 124). پس در نتیجه این احساس تنفر و دشمنی باید به‌صورت افراطی باشد؛ اما ایراد دیگری نیز در این تعریف به چشم می‌خورد و آن عدم توجه به گروه‌های اجتماعی دیگر می‌شود مثل اقلیت‌های قومی و مذهبی. به نظر می‌رسد

حتی نویسنده و بیان کننده می تواند کاملاً مشخص باشد. مکان بیان هم تأثیری در انطباق بیانی با اوصاف بیان تنفرآمیز ندارد پس چه در یک مکان محصور بیان نمود و چه در یکجایی دیگر تفاوتی در ماهیت ندارد؛ بنابراین نحوه ابراز بیان تنفرآمیز محدود به شکل و شیوه خاصی نیست فقط انتقال مفهوم حائز اهمیت است. نکته قابل توجه این است که اشکال مختلف بیان تنفرآمیز امکان دارد ضرر و آزار مختلف و درجات متفاوتی دارا باشد. بیان تنفر به صورت رودرو یکی از موارد انتقال مفهوم به طور بدون واسطه و فوری و از لحاظ درجه ایجاد مشکل از دامنه زیادی برخوردار است به خصوص در شرایطی که برای فرد مورد تعرض هیچ راه فراری نباشد و شخص که در مقام بیان است از مقام قدرت برای وارد آوردن آزار برخوردار باشد. اگرچه بسیاری از دادگاهها و نظریه پردازان حقوقی، صدمه وارده از بیان تنفرآمیز را یک بزه صرف و معمولی تلقی می کنند اما صدمه ای که از بیان تنفرآمیز رودرو ایجاد می شود حداقل در اکثر موارد تأثیری بیش از این دارد و لرزیدن شدید، انقباض عضلات، افزایش آدرنالین و عدم امکان خواب را شامل می شود. برخی از قربانیان از صدمات اجتماعی و روانی رنج برده مثل افسردگی، خشونت درونی و حتی نسبت به شناخت مفهوم شخصیت خود دچار مشکل می شوند. برخی در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی مثل شرکت در مدرسه و حتی سر کار خود دچار وضعیت بحرانی می شوند. (Delgado, 2009: 363). کمیته حقوق بشر و حتی دیوان اروپایی در جاهایی که اعمال

گروه های قربانی را به طور کامل توصیف نموده و حتی شیوه هایی را نیز برای ابراز این گونه بیانات متذکر شده است. به نظر می رسد از منظر حقوقی و اخلاقی بیان تنفرآمیز می تواند در جامعه فضایی آکنده از دشمنی و تبعیض و تنفر ایجاد نماید که نتیجه ایجاد چنین فضایی، دشمنی، تبعیض و خشونت نسبت به مخاطبان بیان تنفرآمیز است که البته چنین نتایجی الزاماً قابل تصور نیست. در اینجا است که تفاوت بین کشورهای که بیان تنفرآمیز را صرفاً از باب نقض هنجارهایی اجتماعی مورد ممنوعیت قرار می دهند و کشورهای که بیان تنفرآمیز را با توجه به نتایج محتمل الوقوعی که به بار می آورد مورد محدودیت های قانونی قرار می دهند، مشخص می شود.

۳- انواع بیان تنفرآمیز

بیان تنفرآمیز اشکال مختلفی را در بردارد. مستقیم و غیرمستقیم، آشکارا و علنی و به طور مخفی و غیر آشکار، به طور تکراری و یا دفعاتاً واحد، با حمایت و پشتیبانی قدرت و مقام سیاسی با تهدید و یا بدون این شرایط. بیان تنفرآمیز از جنبه دیگری مثل نژاد، مذهب، قومیت، وضعیت مهاجرت، جنس فرد یا گروهی از افراد قابل تشخیص است. مخاطب بیان تنفرآمیز می تواند یک فرد و یا گروهی از افراد باشد. می تواند به صورت شفاهی و یا کتبی و یا از طریق اینترنت و حتی از طریق اشیاء ملموس دیگری مثل پرچم، مجسمه و یا هر چیز ملموس دیگری قابل انتقال باشد. می تواند بدون نام و از طریق یادداشت و یا اعلامیه های بر روی هرگونه تابلو، درب اتاق و یا

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که چگونه به‌طور عملی هر نمونه‌ای از نسل‌کشی بلافاصله بعد از بیان تنفرآمیز ایجاد می‌شود که بیانگر شرایط تحقیق‌آمیز قربانیان این نوع بیان است (Earle, 2016: 365). نمونه این موارد را می‌توان در نسل‌کشی هولوکاست در رواندا مشاهده کرد. آن‌ها به‌طور گسترده توتسی‌ها را مورد تحقیر و توهین قرار داده و در نهایت نتایج قابل‌مشاهده بود. نمونه دیگر این نوع بیان تنفرآمیز در ارتباط با نسل‌کشی‌های اتفاق افتاده در یوگوسلاوی سابق است.

۴- ماهیت بیان تنفرآمیز

در شرایطی که در خصوص ماهیت بیان تنفرآمیز و ویژگی‌های آن از منظر حقوقی و اخلاقی بحث‌های زیادی مطرح شده است، بحث در خصوص ماهیت بیان تنفرآمیز بدون توجه به وضعیت حقوقی و یا اخلاقی آن، از توجه کمتری برخوردار است. در این قسمت سعی بر آن است که ماهیت بیان تنفرآمیز مورد بررسی قرار بگیرد. در رابطه با ماهیت بیان تنفرآمیز اولین نکته قابل‌توجه آن است که مخاطب این بیان تأثیری در رخ دادن بیان تنفرآمیز ندارد. برخلاف نظر آن دسته از افرادی که بیان تنفرآمیز را تنها در ارتباط با افراد متعدد می‌دانند و به‌عبارت‌دیگر جهت تحقق این نوع بیان دسته‌ای از افراد را لازم می‌دانند، تحقق این بیان می‌تواند با مورد خطاب قرار دادن حتی یک نفر اتفاق بیفتد

محدودیت بر آزادی بیان را در خصوص بزرگ‌سالان با ابهام مورد ملاحظه قرار می‌دادند در رابطه با کودکان جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان قائل نیستند. کودکی که مورد توهین نژادی قرار می‌گیرد امکان دارد با شدت بسیار زیادی خشونت از خود نشان دهد و از طرفی دیگر امکان دارد چنین کودکی با درونی نمودن این صدمه وانمود کند که هیچ اتفاقی نیفتاده است اما در واقع این کودک اعتمادبه‌نفس خود را ازدست‌داده و بسیار کج‌خلق و درون‌گرا می‌شود (Dignan, 2015: 364). چگونه می‌توان در یک جامعه دموکراتیک که در آن جامعه حمایت از افراد و مشارکت افراد در جامعه و مباحثه عمومی و پیشرفت شخصی فرد، از مسائل بنیادین است، برای این فرد فرصت و فضایی قائل شد. حال فرض کنید والدین چنین کودکی نیز شرایط این چنین در محل کار خود داشته باشند و با این شرایط به خانه وارد شوند چگونه می‌توان از این خانواده به‌عنوان هسته اصلی اجتماع انتظار داشت در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شرکت فعال داشته باشد. چنین والدینی در جامعه خود کمترین مشارکت سیاسی و در خانواده کمترین انرژی برای مسائل خانوادگی فرهنگی و آموزش وجود دارد. در رابطه با بیان تنفرآمیز علنی^۱ ضرر و آثار سوئی که در بردارد می‌تواند به‌اندازه کافی جدی و قابل‌توجه باشد.

¹ Public Hate Speech

این یک مثالی بارز در خصوص بیان تنفرآمیز است هرچند هیچ کلمه‌ای بیان نشده است. پس در نتیجه همانطوریکه توضیح داده شد بیان تنفرآمیز مقید به شکل خاصی نیست و شامل نمایش به‌وسیله علائم و رموز، زبان و لغت یا هر چیزی که بیانگر انزجار شدید از گروه یا یک فرد بر مبنای عضویت وی در گروهی خاص باشد (Fred, ۲۰۱۵:۱۸۱) همچنین مرتکبین بیان تنفرآمیز میتواند گروه و یا یک فرد باشند. در نتیجه ۴ نوع بیان تنفرآمیز در این طبقه‌بندی وجود دارد. ۱- وقتی که یک فرد، فردی دیگر را مورد توهین قرار میدهد ۲- زمانی که فردی، گروهی را مورد مخاطب قرار میدهد ۳- در شرایطی گروهی، گروه دیگر را به‌عنوان یک کل مورد توهین قرار میدهد. ۴- و زمانی که گروهی، افراد گروه دیگر را مورد اهانت قرار میدهد.

یک طبقه بندی دیگر برای بیان تنفرآمیز وجود دارد و آن در شرایطی است که شخصی خود را مورد توهین قرار میدهد. در اکثر موارد، ادبیات بیان تنفرآمیز تنها شامل ابراز تنفر است که از جانب مرتکب علیه افراد دیگری که جزو گروهی با اوصافی متمایز از بیان‌کننده مطلب، ارتکاب می‌افتد. پس درجاییکه یک فرد آمریکایی آفریقایی خود را **nigger** (کاکا سیا به تحقیر) خطاب میکند یا وقتی که یک آمریکایی آفریقایی به هموعان خود چنین لفظی را استناد میدهد به نظر می‌رسد اطلاق بیان تنفرآمیز صادق است. اگرچه در عالم حقوق و با توجه به تعریفی که ارائه شد بیان تنفرآمیز در شرایطی اتفاق می‌افتد که فردی به دلیل تنفر و

البته با این پیش شرط که فرد مورد نظر وابسته به گروهی نژادی، مذهبی، قومی و... باشد. از طرف دیگر توهین گروهی و جمعی حتی امکان دارد با مورد خطاب قرار دادن یک نفر اتفاق بیفتد. وقتی بیان‌کننده، فردی را به‌واسطه تعلق به گروهی نژادی مورد توهین قرار دهد در واقع به کل آن گروه اهانت نموده است. برخی این‌گونه استدلال نموده‌اند که اوصاف افراد مثل نژاد و جنس و مذهب از جمله مواردی هستند که بر مبنای این اوصاف در طول تاریخ انسان‌ها مورد تبعیض واقع شده‌اند. پس در نتیجه حساسیت در این موارد بیشتر است و با توجه به سابقه تاریخی تنها این موارد عناصر تشکیل‌دهنده بیان تنفرآمیز هستند اما این استدلال تا حدی قابل خدشه است با این توضیح که در حال حاضر اسناد بین‌المللی، رویه کشورها و رویه قضایی نهادهای ناظر بر کنوانسیون‌ها بیشتر توجه به مسئله نژاد نموده‌اند تا مواردی دیگر و به عبارت دقیق‌تر امروزه در عالم حقوقی تمرکز اصلی بر بیان تنفرآمیز نژادی است. حال آنکه مذهب، قومیت، ملیت، جنسیت، ناتوانی‌های جسمانی، عضویت در حزبی خاص نیز می‌تواند مبنایی برای توصیف بیانی به‌عنوان بیان تنفرآمیز باشد. هرگونه تعریفی که برای بیان تنفرآمیز قابل تصور باشد نباید محدود به هیچ شکل زبانی باشد. برای مثال زمانی که در یک مهمانی دو شخص سفیدپوست با یک فرد سیاه‌پوست در خصوص **بته‌وون (Ludwig van Beethoven)** صحبت میکنند و در فردای آن روز بر روی درب اتاق سیاه‌پوست عکس **بته‌وون** با شمایل آفریقایی دیده میشود

تنفرآمیز دارد. ممکن است شخصی اقدام به بیان جملات تنفرآمیز نماید بدون آنکه هیچ احساس تنفرآمیز یا قصد آن را داشته باشد. در مثال شخص یادگیرنده زبان با توجه به اینکه گوینده اصلاً متوجه بیان خود نیست نمی‌توان گفت از بیان به صورت تنفرآمیز استفاده نموده است. با توجه به این موارد به نظر میرسد بیان تنفرآمیز نیازمند محتوایی انباشته از تنفر است و نیازی به احساس تنفرآمیز گوینده مطلب ندارد اما برعکس در خصوص ابعاد حقوقی یا اخلاقی بیانی که تنفرآمیز است اینکه گوینده قصد و احساساتی این چنین نیز داشته باشد احتمالاً قابل توجه است. پس به طور خلاصه میتوان از این ملاحظات به این نتیجه رسید که بیان تنفرآمیز میتواند به صورت نژادی، جنسیتی و یا هر نوع دیگری وجود داشته باشد. میتواند بر مبنای عضویت در گروه و احزاب سیاسی یا مذهبی شکل بگیرد. با توجه به تنوع اشکال بیان تنفرآمیز تمامی این اشکال الزاماً بیانگر وضعیت اخلاقی و یا حقوقی بیان تنفرآمیز نیست. در نهایت مشخص گردید جهت تحقق بیان تنفرآمیز، نیازمند احساس و یا قصدی تنفرآمیز نیست و بیشتر به کاربرد لغت توجه می‌شود. تا اینجا ماهیت بیان تنفرآمیز خارج از ضوابط حقوقی و اخلاقی مورد بررسی قرار گرفت، در ادامه با تأکید بر جنبه‌های حقوقی، تأثیراتی که این نوع بیان بر افراد مخاطب می‌گذارد مورد تحلیل قرار می‌گیرد (Hoong Sin, ۲۰۱۶: ۸۸). در نگاه عده‌ای بیان تنفرآمیز عبارت است از ایجاد تنفر و خصومت نسبت به گروهی از افراد که دارای

نابرداری نسبت به دیگر اقلیت‌ها بیانی را ابراز می‌کند همانطوریکه روشن است در این فرض، چنین معنایی قابل برداشت نیست (Galtung, ۱۷۳: ۲۰۱۴). نکته قابل توجه بعدی نیت و خواست گوینده مطلب است، اینکه بیان تنفرآمیز الزاماً با قصد بیان کننده مطلب اتفاق می‌افتد. ممکن است شخصی مطلبی را بیان نماید با محتوای خاص، بدون آنکه قصد داشته باشد جمله‌های با این محتوا را بیان نماید. مثل وقتی که شخصی تازه زبانی خارجی را فرا گرفته و در برخورد با یک شخص از آن کشور که دارای آن زبان است شروع به مکالمه نماید به جای آنکه به شخص خوش‌آمد گویی نماید الفاظ توهین‌آمیزی به کار برد. در اینجا فرد مورد نظر قصد ندارد جملاتی با آن مفاهیم و محتوا را منتقل کند (Herrick, ۱۳۳: ۲۰۱۵). در شرایطی دیگر امکان دارد یک نفر جملاتی را بیان کند که بیانگر انزجار شدید است بدون آنکه قصد بیان چیزی را که در بردارنده آن انزجار است را داشته باشد. به عبارت دیگر در این مورد احساس واقعی گوینده بیانگر انزجار نیست اما کاربرد آن کلمه و یا عبارت، انزجار را به همراه دارد که در اینجا بیان تنفرآمیز شکل گرفته است. در اینجا باید دو مسئله از همدیگر تفکیک شود. بیان جمله‌ای که محتوای تنفرآمیز را به طور اتفاقی شامل میشود و یا اینکه جمله‌ای به طور تنفرآمیز با محتوایی مختلف بیان شود. اگر گوینده جمله‌ای، به ندرت مقاصد تنفرآمیز در هنگام بیان جمله داشته باشد، اگر نگوییم اشتباه، نامناسب است که بگوییم آن جمله محتوایی

میتواند در مواردی مثل نژادپرستی و ملاحظات جنسی، تشویش‌های روحی و تنش‌های روانی ایجاد نماید، میتواند شورش و آشوب به‌پا نمایند و جنگ را در میان ملت‌ها محقق سازند. بیان تنفرآمیز به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیراتی بر روی افراد و حقوقشان می‌گذارد. با توجه به اینکه اشکال ابراز بیان بسیار متنوع و مختلف است، به نظر می‌رسد دامنه تأثیر بر فرد مخاطب متغیر است. بدین توضیح، بیانی که به‌صورت رودرو به فردی ابراز می‌گردد بایبانی که به‌صورت علنی و عمومی از طریق رسانه‌ها یا درملاءعام ابراز می‌گردد از لحاظ تأثیرات متفاوت است و یا بیان تنفرآمیزی که در یک مکان بسته مثل کلاس و یا محل کار به‌کاربرده می‌شود می‌تواند تأثیری متفاوت از بیانی که در جراید انتشار می‌یابد، داشته باشد؛ اما به‌طور کلی فردی که در معرض بیان تنفرآمیز قرار می‌گیرد، آسیب‌هایی را به‌طور مستقیم و مقدمتاً تحمل می‌نماید. بدین توضیح که چنین شخصی در معرض پریشان‌های روانی و جسمی زیادی مثل، ضربان قلب، اشکال در تنفس، کابوس، فشارخون، روان‌پریشی و حتی خودکشی قرار می‌گیرد. به نظر میرسد در بسیاری از موارد مرتکبین بیان تنفرآمیز این کلمات و بیانات را به کار می‌برند برای رسیدن به همین نتایج و درواقع هدف آنها ایراد ضرر به دیگران است. همچنین شخصی که مخاطب چنین بیاناتی قرار می‌گیرد امنیت شخصی و اعتبار و اعتماد نسبت به خود را از دست می‌دهد، شخصی که خود را در برابر دیگر افراد جامعه تحقیر شده و موردتنفر

خصیصه‌های ذکرشده هستند. وقتی بیانی تنفرآمیز است که نه‌تنها محتوای آن باید مشتمل بر رفتار و عقاید موهن علیه گروهی که با خصایصی مثل نژاد، رنگ، جنس، مذهب قابل‌تمایز می‌باشند بلکه باید دارای هدف قابل‌شناسایی در ایجاد تنفر و خصومت نسبت به گروه موردنظر باشد. برای آنکه مشخص شود بیانی از لحاظ حقوقی و اخلاقی فاکتورهای بیان تنفرآمیز را در بردارد واضح است که نیازمند رجوع به‌قصد گوینده و ابراز کننده است. به نظر میرسد هرگونه رویه تبعیض‌آمیز علیه اقلیت به‌عنوان موفقیتی برای مرتکبین و بیان‌کنندگان تنفر است. در راستای تأیید این استدلال می‌توان به تعریفی که از بیان تنفرآمیز بدین‌صورت ارائه‌شده است توجه نمود: بیان تنفرآمیز هم از جنبه قصدی که دنبال می‌کند و هم از جنبه نوک‌پیکان حمله‌اش قابل‌شناسایی است. از جنبه قصد و هدفی که دارد باید گفت بیان تنفرآمیز برای تحقیر نمودن، سرکوب کردن، ترغیب به تنفر و خشونت طراحی شده است و از جنبه موضوع، قصد دارد این اعمال علیه گروه‌های نژادی، مذهبی، قومی، جنسی و... ارتکاب یابند. یکی دیگر از ابعاد آن که در رابطه با ماهیت بیان تنفرآمیز قابل‌بررسی است تأثیراتی است که بر روی مخاطبین خود می‌گذارد. مطمئناً کلمات و به‌طور کلی بیانات نمیتوانند ضرر و تأثیری به‌اعضاء بدن و جسم مخاطب برسانند اما دارای این قدرت هستند که ایجاد درد و رنج برای یک شخص نمایند. بیان میتواند یک جرم را شکل دهد و به دیگران توهین شود و یا افترا نماید. بیان

برنداشته باشد؛ اما اگر این ادعا درست باشد پس بیان تنفرآمیز میتواند مورد محدودیت قرار بگیرد.

به نظر می‌رسد به قطعیت نمی‌توان گفت بیان تنفرآمیز با توجه به تأثیر مستقیمی که بر افراد دارد و آشفتگی‌هایی که بر وی ایجاد می‌نماید و حتی وی را در موضع بهره‌مندی کمتری نسبت به دیگر شهروندان جامعه در خصوص حقوق و آزادی‌هایش قرار می‌دهد، توجیه صد درصد قابل قبولی جهت اعمال محدودیت بر آزادی بیان باشد. چراکه امروزه تفسیر بسیار موسعی از آزادی بیان می‌شود و از طرف دیگر ارزش‌هایی مثل بردباری در جامعه صرفاً در خصوص بیان‌کنندگان مفاهیم تنفرآمیز قابل تسری نیست بلکه مخاطبین این پیام‌ها نیز باید در برابر این‌گونه پیام‌ها بردبار باشند. به‌رحال موافقین و مخالفین دلیلی دارند که هرکدام را در موضعی جهت دفاع از ایده خودشان قرار می‌دهد.

۵- جلوه‌های بیان تنفرآمیز بیان تنفرآمیز، بیانی است که در بردارنده انزجار، تنفر و نابردباری بیش‌ازحد و افراطی است. صرف احساس تنفر و انزجار نمی‌تواند مبنایی برای اعمال مقررات در خصوص آزادی بیان باشد. چراکه انسان در برابر بی‌عدالتی باید نابردبار و در خصوص مجازات فردی بی‌گناه احساس تنفر و انزجار داشته باشد. نکته قابل‌توجه در اینجا برای جلوگیری از تنفر این است که تنفر با این اوصاف باید از یک بی‌زاری و دوست‌نداشتن معمولی و یا عدم موافقت متمایز گردد. حتی کسانی که معتقد به مجازات و محکوم کردن

میداند و ترس از بقیه افراد جامعه دارد. چنین فردی در موضعی قرار می‌گیرد که علی‌القاعده از آزادی‌های شخصی کمتری برخوردار است. برابری فرصت‌ها و برخورد برابر که تمامی شهروندان یک جامعه دموکراتیک باید داشته باشند از دست می‌رود. در این رابطه عده‌ای با ملاک قرار دادن تئوری ضرر برای اعمال محدودیت بر آزادی بیانات تنفرآمیز این‌گونه استدلال نموده‌اند: «ضرر عاطفی و پریشانی‌های روحی بدین‌صورت تعبیر میشوند که نگرانی‌های روحی و اخلاقی وقتی به وجود می‌آیند که جامعه و محیط اطراف، استانداردهای روحی و اخلاقی فرد را تأمین نمی‌نماید. پس بستگی کامل به استانداردهای اخلاقی فرد موردنظر دارد. وقتی عملی برای یک شخص ایجاد اضطراب و پریشانی میکند ممکن است برای دیگری کاملاً مقبول باشد. در رابطه با بیان تنفرآمیز ممکن است استدلال شود که نشر بیانات تنفرآمیز باعث خصومت و افزایش نابرابری گروه‌های موردنظر و اقلیتی شود. پس در اینجا تنها یک نگرانی از وقوع چنین اتفاقاتی وجود دارد؛ اما در جاییکه این نگرانی رنگ و شکل قوی‌تری به خود بگیرد به صورتی که از لحاظ روحی شخص را مشوش نماید و ضرری روحی به وی برساند چنین فشار روحی را مبنایی برای مداخله حقوقی جهت اعمال محدودیت میدانند. بدین توضیح، اگر ما این‌گونه استدلال کنیم که بیانی تنفرآمیز میتواند تأثیرات منفی در جامعه داشته باشد مثل نابرابری افراد در جامعه، خلاف این جمله هم صادق است یعنی ممکن است بیان تنفرآمیز چنین نتیجه‌های را در

شیوه بیان بلکه بدان علت ممنوع می‌باشند که در نتیجه ابراز چنین بیاناتی نتایج نامطلوبی قابل تصور است مثل تبعیض، خشونت و یا حتی جنگ (Katharina

Anna, 2022:133).

۶- تأثیرات و نتایج بیان تنفرآمیز

دومین توجیه در باب تنظیم مقررات در خصوص بیان تنفرآمیز به نظر نمی‌رسد اعمال هنجارهای اجتماعی باشد. مقررات بسیاری در باب این‌گونه بیان وجود دارد که به دنبال تعیین وجه تمایز بین بیانی که تنفر بیش‌ازحدی در بردارد و منجر به تأثیرات و نتایج مخرب و زیانباری می‌شود و بیانی که با همان محتوا چنین نتایجی را در بر ندارد، هستند. این نوع بیان تنفرآمیز همان است که در آلمان و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است. چنین مقرراتی بدین منظور می‌باشند که از زیان‌های احتمالی، واقعی و قابل مشاهده جلوگیری شود. این نکته درست است که جلوگیری از بیانی که ایجاد نتایج زیان‌باری می‌کند لازم است اما چگونه یک ارتباط سببی بین بیان و نتایج قابل اندازه‌گیری است. در آمریکا اعمال محدودیت به واسطه محتوای آن در حوزه مباحثه عمومی به این دلیل که امکان دارد ضرری را در آینده ایجاد کند قابل شناسایی نیست. بیان، اغلب محرک و چالش‌برانگیز است و هیچ‌وقت مورد سانسور و مجازات قرار نمی‌گیرد مگر اینکه ثابت شود احتمال ایجاد یک خطر با ماهیت بسیار جدی که آسایش و رفاه عمومی را بر هم زند و ناامنی را ایجاد

تنفر می‌باشند به این نکته باور دارند که عدم توافق حتی اگر از یک بیزاری و دوست‌نداشتن معمولی نشأت گرفته باشد قابل حمایت است. همانطوریکه بحث شد سؤال اصلی در این است که مرز بین یک نقد افراطی که منجر به بیان تنفر می‌شود و یک عدم موافقت صرف در کجاست؟ در حال حاضر حقوق در رابطه با گروه‌های نژادی، مذهبی و قومی گرایش به محکوم کردن بیانات تنفرآمیز دارد. در میثاق حقوق مدنی و سیاسی هرگونه تلاشی در جهت تنفر مذهبی ملی و نژادی که تحریکی در جهت تشکیل و ایجاد تبعیض، دشمنی و خشونت شود ممنوع است. در کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی هرگونه گفتاری که تبعیض نژادی و تنفر نژادی را به هر شکلی توجیه و یا ارتقا دهد ممنوع و محکوم است. در کنوانسیون آمریکایی هرگونه اقدام در خصوص تنفر نژادی، مذهبی و... که باعث ایجاد تحریکات منجر به خشونت غیرقانونی گردد ممنوع است. در کانادا هرگونه ترویج تنفر در هر بخشی از جامعه چه در بعد نژادی، زبانی، قومی و یا مذهبی ممنوع است. در آلمان، هرگونه گفتاری که تحریک به تنفر علیه بخش‌های جامعه که احتمال بر هم زدن صلح جامعه را داشته باشد ممنوع می‌دانند. در حال حاضر به نظر می‌رسد مقررات در رابطه با بیان تنفرآمیز جدای از آنکه چه محتوایی را در بردارند به دو صورت قابل شناسایی می‌باشند، دسته‌ای به واسطه شیوه بیان و آنکه هنجارهای مورد وفاق اجتماعی را رعایت نمی‌نمایند و در نتیجه بانزاکت اجتماعی در تناقض قرار دارند و دسته‌ای دیگر نه به دلیل

ذهن است که به‌عنوان بیان تنفرآمیز، مورد محکومیت قرار بگیرد. نکته در اینجا است که تبادل ارتباط منطقی، عقلانی و میانه‌رو، تبدلی که بانزاکت در مجادله مطابقت دارد، احتمال کم و دور از ذهنی است که به‌عنوان بیان تنفرآمیز مورد مجازات قرار بگیرد حتی اگر آشکارا گرایش به ایجاد تبعیض داشته باشد. قوانینی که بیان تنفرآمیز را ممنوع می‌نمایند در واقع تمامی بیاناتی که گرایش به ایجاد چنین نتایجی دارند را ممنوع نمی‌کند بلکه دسته‌ای از این بیانات که جدای از این گرایش، نرم‌های اجتماعی مربوط به احترام و نزاکت را نقض کند، مورد ممنوعیت قرار می‌دهد (Kees, ۲۰۱۶: ۱۰۳). رابرت پست معتقد است در قرن نوزدهم مردم بریتانیا انکار مسیحیت را تجربه کردند که این عمل ذاتاً احتمال بروز خشونت را در برداشت، بیان تنفرآمیز به‌عنوان موجبی برای خشونت بود؛ اما این تجربه رابطه بین بیان تنفرآمیز و بروز احتمالی خشونت را نشان نمی‌دهد. قانونی که به دنبال سرکوب چنین بیانی با وصف گرایش به سمت خشونت است در واقع قانونی است که میل به ممانعت از نقض هنجارهای اجتماعی ضروری دارد. اعتقاد وی بر این است که اگر در خصوص منع بیاناتی که امکان ایجاد خشونت ملی، نژادی و قومی دارد حساس و جدی هستیم باید از آنچه امروزه به‌عنوان بیان تنفرآمیز طبقه‌بندی شده است ممنوعیت‌های بیشتری داشته باشیم ولی در حال حاضر دامنه این نوع بیان و ممنوعیت‌های قانونی زیاد نیست و ما می‌بایست تمام انواع سینما، اشعار و سرگرمی‌های متداول را ممنوع

نمایند، وجود دارد. در ابتدای قرن بیستم جلوگیری از این‌گونه بیانات که مخالف با عقیده عموم است بر مبنای معیار «گرایش بد» (Bad Tendency) به عمل می‌آمد و مجوزی بود برای سانسور بیان که گرایش کلی به ایجاد آسیب‌های اجتماعی داشت اما بعداً مقدمه‌ای اساسی برای ممنوعیت بیان، لازم بود و آن وجود یک رابطه سببی (Causally Relate) محکم و جدایی‌ناپذیر بین بیان و ضررهای قابل‌تصور محتمل بود. این معیار بعد از نسخ معیار گرایش بد به وجود آمد. شکی وجود ندارد که بیان منتقل‌کننده تنفر بیش‌ازحد، به نتایج مضر می‌شود (مثل خشونت و تبعیض) اما در اکثر موارد این بیان صرفاً یک گرایش به ایجاد تأثیرات مضر در جامعه دارد. مقررات بیان تنفرآمیز که صرفاً با استناد به گرایش ایجاد ضرر، بیان را ممنوع می‌کند در آمریکا جایی ندارد. چراکه ارتباط سببی بین عمل و نتیجه چنان سست است که نمی‌توان مواد قانونی اساسی را به آن اختصاص داد. برعکس در اکثر کشورهای دنیا بیانی که ایجاد ضرر می‌کند ممنوع است حتی اگر این ارتباط ضعیف باشد. البته افرادی همانند رابرت پست (Robert Post) وجود دارند که دسته‌بندی صورت گرفته در خصوص بیان تنفرآمیز را تنها یک ظاهر دانسته و رویه نوینی را مورد ملاحظه قرار می‌دهند. وقتی یک دانشمند مشهور که در مجلات علمی مقاله چاپ می‌کند قصد داشته باشد ارتباط بین نژاد و جرم را به رشته تحریر درآورد. چنین مقاله‌ای مطمئناً گرایش به ایجاد تبعیض نژاد دارد. اما این مقاله بسیار دور از

بهره‌مندی افراد از حقوق مسلم بشری را مخدوش نماید، اشاره می‌شود.

۶-۲ بیان تنفرآمیز در تقابل با حقوق سیاسی افراد

اولین موردی که قابل توجه است تأثیری است که بیان تنفرآمیز بر روی مشارکت سیاسی افراد و حق بر شهروندی آنها در جامعه می‌گذارد. در یک جامعه دموکراتیک تمامی شهروندان و افراد جامعه باید در جریان مباحثه عمومی دخالت داشته باشند. آزادی بیان برای استقلال دموکراتیک فرد حیاتی است. در اینجا آزادی بیان به‌عنوان یک حق عقلانی است حتی که به فرد اجازه مراد به دیگران در یک مسیر مشخصی می‌دهد یا به معنای حق بر مشارکت در فعالیت‌های جمعی و اشتراکی می‌شود. تمامی افراد با فرض داشتن شان و منزلت برابر و برخورداری از احترامی یکسان با دیگر افراد جامعه اقدام به تبادل افکار و ابراز آرا و عقاید خود می‌نمایند. اما در جامعه‌ای که بیان تنفرآمیز به‌عنوان یکی از آزادی‌های قابل تصور برای افراد مدنظر است، گروه‌هایی که با اوصاف نژاد، قومیت، مذهب از دیگر افراد جامعه قابل تمایز می‌باشند در معرض به انزوا رفتن و ساکت شدن می‌باشند. در چنین شرایطی نمی‌توان مشارکت فعال افراد این گروه‌ها را در مباحثه سیاسی مشاهده نمود. آزادی عقیده می‌تواند به‌عنوان یکی از جنبه‌های امنیت شخصی یا حق شخص بر کنترل ذهن و جسم خود به‌دوراز هرگونه دخالت و کنترل دیگران موردنظر قرار بگیرد. این آزادی می‌تواند به‌عنوان یک آزادی

می‌کردیم. ماهیت بیان تنفرآمیز به‌گونه‌ای است که تأثیراتی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر روی افراد مخاطب این‌گونه بیان می‌گذارد. این تأثیرات در یک دسته‌بندی دیگر می‌تواند هم بر خود شخص و هم بر روی حقوق قابل تصور برای وی به‌عنوان عضوی از یک جامعه حائز اهمیت باشد. بیان تنفرآمیز می‌تواند آشفتگی‌های روانی و اختلالات روحی به فرد وارد کند. می‌تواند فرد را از بهره بردن در رابطه با حقوق به رسمیت شناخته‌شده وی در اسناد بین‌المللی بازدارد و از طرف دیگر و مهم‌تر از همه اینکه ماهیت بیان تنفرآمیز، افراد و یا گروه‌های مخاطب خود را به رسمیت نشناخته و به‌عبارت‌دیگر ناقض برابری افراد با یکدیگر است.

۶-۱ بیان تنفرآمیز در تقابل با حقوق سیاسی، آزادی‌های مذهبی و برابری افراد

بیان تنفرآمیز به دلیل ماهیتی که دارد می‌تواند در جامعه نتایج قابل‌ملاحظه‌ای داشته باشد. تا اینجا مشخص شد یکی از حقوق اساسی افراد مخاطب بیان تنفرآمیز که نقض می‌شود حق بر رعایت شأن و منزلت این افراد در کنار دیگر اعضا یک جامعه دموکراتیک، است. به‌عبارت‌دیگر نقطه پایان آزادی بیان و اعمال محدودیت بر آن، جایی است که این ارزش در کنار دیگر ارزش‌های موجود در یک جامعه دموکراتیک قرار می‌گیرد. از مهم‌ترین این ارزش‌ها حق بر برابری و شناسایی افراد است. در ادامه به مواردی دیگر که بیان تنفرآمیز می‌تواند

شناسایی گروه خاص نه به‌عنوان فرد و گروهی قابل احترام بلکه به‌عنوان یک وجود مادون و دارای درجه ارزش پایینتر که مورد سرکوب، استرس و آشفتگی‌های روانی ماندگاری بر اعضا آن گروه داشته باشد (Mary Dwyer, ۱۴۸: ۲۰۱۲). حتی اگر این تأثیر را نداشته باشد این عمل یک حمله اساسی به‌حق بر شأن و منزلت شخصی افراد است. از منظر شأن و منزلت انسانی از آنجایی که مبنای آزادی بیان بر استقلال و بهره‌مندی انسان‌ها از احترام متقابل است می‌تواند توجیه قابل قبولی بر ممنوعیت بیان تنفرآمیز باشد. جایگاه بیان، انسانیت و حیثیت و شأن انسانی را تحقیر نماید می‌تواند مورد محدودیت واقع شود، پس در جایگاه آزادی بیان بر مبنای احترام به شأن انسانی و عقلانیت وی است بر اساس همین توجیه می‌تواند از حمایت قانونی بهره‌مند گردد.

۳-۶ بیان تنفرآمیز در تقابل با آزادی‌های مذهبی افراد

یکی از مسائلی که در رابطه با تأثیرات بیان تنفرآمیز از اهمیت زیادی برخوردار است، بیانات تنفرآمیز مذهبی است. آزادی بیان به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین خصیصه‌های جامعه دموکراتیک است. آزادی بیان جهت استقلال فردی افراد و برای رشد و توسعه شخصیت افراد ضروری است. در یک جامعه دموکراتیک ایده‌ها و عقاید مختلف در حوزه مباحثه عمومی ابراز و مورد تبادل نظر، قضاوت و نقد قرار می‌گیرد. در حال حاضر بیان تنفرآمیز در دو بعد از اهمیت بیشتری

بیرونی نیز مدنظر قرار بگیرد، دیگران نیز حق بر امنیت فردی دارند. همچنین جامعه این حق جمعی را دارد که از هرگونه خشونت در امان باشد. یکی از مبانی آزادی بیان آن است که اعمال محدودیت غیرموجه بر آزادی بیان نه تنها آزادی بیرونی فرد را نقض می‌کند بلکه این عمل با اختیار فرد در رشد و پیشرفت و ابراز شخصیت وی در تداخل است. در خصوص بیان تنفرآمیز نه تنها چنین نتایجی نسبت به مخاطبین بیان تنفرآمیز قابل تصور نیست برعکس این افراد همیشه با ترس از اینکه در موقعیت‌هایی قرار بگیرند که افرادی متعصب و ناپردبار به آن‌ها توهین و ابراز تنفر نمایند، زندگی می‌نمایند. سکونت این افراد در محله‌هایی که اکثریت دارای نژاد یا مذهب دیگری هستند، فرستادن کودکان به مدارس که در معرض بیاناتی تنفرآمیز قرار نگیرند و نتیجتاً صدمه‌ای نبینند همه از مواردی است که بیان تنفرآمیز موجبی برای آن‌ها است. از دست دادن فرصت‌های شغلی، آموزشی از مصادیق دیگر است. در زمان فارغ‌التحصیلی و یا شروع به تحصیلات دانشگاهی، بیان تنفرآمیز می‌تواند پیشرفت و رشد شخص را به تأخیر بیندازد (Lori and Stiegel, ۱۲۲: ۲۰۱۹). نشر بیانات تنفرآمیز امکان دارد باعث تقویت و افزایش نابرابری و خشونت و تبعیض علیه گروه‌های مورد نظر شود. حقوق هویتی از جمله حقوقی است که در نتیجه بیانی تنفرآمیز دچار خدشه می‌شود. این‌گونه بیانات به‌هرحال، حقوق هویتی گروه‌های مخاطب را به‌طور شدیدی مورد نقض قرار می‌دهد. این بیانات می‌تواند به‌وسیله

توجیه نماید. بدون وصف نژاد، شخصیت فرد کامل نیست و شخص بدون آن نمیتواند از تمامیت خود به عنوان یک انسان که متعلق به نژادی خاص است دفاع نماید) Bright, ۷: ۲۰۱۱). در جائیکه نژاد یا رنگ یک فرد مورد حمله قرار گیرد گوینده به وصفی از شخصیت مخاطب حمله برده که آن فرد در یک پاسخ اخلاقی نسبت به گوینده عاجز است. در چنین شرایطی ابراز کننده مطلب با شنونده در موقعیت برابری در احترام قرار ندارد. شنونده در صورتی میتواند پاسخ کلماتی که به منظور تحقیر وی زده شده را بدهد که وی با گوینده برابری در مشارکت و احترام و شأن و منزلت را به یک اندازه داشته باشد. در غیر از این صورت بیان به عنوان ابزاری سرکوبگر استفاده شده است. در برابر این گونه بیان تنفرآمیز شنونده تنها میتواند از وی بخواهد بیان مطلب را ادامه ندهد یا شانهپایش را بالا بیندازد و بی تفاوت باشد و ... که این موارد پاسخ اخلاقی متناسبی نیست. در یک جامعه متمدن هیچ کس نباید پاسخی نسبت به رنگ پوست و یا نژاد خود بدهد بدین دلیل که بیان تنفرآمیز نژادی باید ممنوع باشد. در مقابل مفهوم مذهب چیزی به غیر از یک ایده و نظر و یا جهان بینی نیست و امروزه هیچ فرد یا گروهی نباید نگاهی انحصار گونه به عقاید و نظریات داشته باشد. هر ایده و نظری هر چند طرفداران متعصب و استواری داشته باشد میتواند مورد نقد قرار گیرد. اعتقادات و باورهای مذهبی هر شخص ذاتاً قابل انتقال و تغییر است و جزء لاینفک شخصیت اخلاقی و روانی یک فرد نیست.

برخوردار است و ادبیات حقوقی توجه بیشتری نسبت به نژاد و مذهب داشته است. در خصوص تفاوت نژاد با مذهب می توان گفت نژاد وصفی است که شخص آن را انتخاب ننموده و نمی تواند تغییر دهد اما باورهای مذهبی جزء جدائی ناپذیر شخصیت اخلاقی فرد نیست. باورهای مذهبی به عنوان کشش درونی فرد به یک ایده و نظر است در حالی که نژاد یک وصف ذاتی هویت افراد است. البته در این خصوص استدلال مخالف نیز وجود دارد. عده های در موقعیتی که بیان نژاد پرستانه حاکی از تنفر و انزجار نسبت به نژادی مشخص است را مبنایی برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان به حساب آورده اند با این ملاحظه که هویت نژادی خاص به عنوان یکی از فاکتورهای اساسی حیثیت و شأن فردی آن افراد است. در حالی که این بعد از هویت انسانی نیز همانند دیگر ابعاد شخصیتی انسان حداقل تا حدی میتواند در معرض نقد و اعتراض قرار گیرد و از طرف دیگر مسائل مربوط به مفهوم یک نژاد و اهمیت عضویت آنها میتواند به عنوان موضوعی از یک مباحثه عمومی آزاد مورد چالش قرار بگیرد) Montesanti, ۷۱: ۲۰۱۶). بیان تنفرآمیز نژادی با حمله به ریشه نژادی مخاطبین موقعیت فرد را به عنوان انسانی برابر متزلزل مینماید. یک شخص نمیتواند هیچ حق انتخابی نسبت به نژاد و قومیت خود داشته باشد پس در نتیجه قابل قضاوت و نقد کردن نیز نیست. به عبارت دیگر نژاد مسئله های نیست که در یک جامعه دموکرات از فردی انتظار رود نسبت به آن بتواند پاسخی دهد یا آن را

حقوق دیگران و شخصیت انسانی و عضوی از جامعه بودن نمی‌باشند (Vander Ende, ۱۴۴:۲۰۱۵). فیلسوف آمریکایی جوئل فینبرگ (Joel Feinberg) معتقد است که ایراد توهین به دیگران به ندرت میتواند مبنای قابل قبولی برای محدود نمودن بیان باشد. انسان‌ها از طریق فعالیت‌های مفید اجتماعی و لازم برای زندگی، امکان مورد توهین قرار گرفتن را دارند. اگر سرکوب آزادی بیان صرفاً به دلیل ممانعت نمودن از هتک حرمت و توهین به اعتقادات مذهبی افراد مجاز باشد، بیان میتواند مستند به استانداردهای برخی افراد جامعه که کمتر بردبار هستند و خیلی سریع و به آسانی مورد هتک حرمت قرار می‌گیرند مورد محدودیت واقع شود. چنین مبنایی برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان آسیب‌های قابل ملاحظه‌ای به دموکرات‌مسلك‌های آزادی‌خواه می‌زند، دموکراسی‌هایی که به دنبال مطابقت دادن تفاوت‌ها از طریق تعهد به چندگانگی فرهنگی می‌باشند، در نتیجه نبود بردباری در میان عده‌های مشخص از گروه‌ها، مبنایی را برای محدود کردن آزادی دیگران فراهم می‌آورد. البته باید خاطر نشان نمود که ارزش‌هایی مانند چندگانگی فرهنگی و بردباری می‌تواند در جامعه نتایجی معکوس داشته باشد و موقعیت اساسی این دو مفهوم را به خطر بیندازد در جاییکه اکثریت حاکم در جامعه از طریق نمایندگان سیاسی خود با توهین به گروه‌های دیگر قصد ساکت نمودن و به انزوا کشیدن اقلیت‌ها و عقاید غیرمتداول را دارند. با توجه به توضیحات ارائه شده به نظر

البته یک فرد مذهبی و پابند به اعتقادات میتواند ادعا کند باورهای مذهبی وی جزء هویت وی است و جدایی این اعتقادات از فرد و زندگی روزمره‌اش امکان ندارد. رویه کشورها در خصوص بیان تنفرآمیز مذهبی بدین صورت است که اظهار مینمایند بهتر است افراد مذهبی بردباری خود را بالا برده و تعصب خود را کنار گذاشته و به این باور برسند که شاید بیانات گوینده صحیح باشد از طرف دیگر این گروه اقلیتی بهتر است تلاش نمایند که با استدلال و توجیه و انجام حرکات علمی و مدنی منتقدین خود را ساکت نمایند نه اینکه دولت با اعمال مقررات ممنوعیت بیان تنفرآمیز مذهبی اقدام نماید) *The Crown Prosecution Service*, ۴۴:۲۰۱۹). پس در نتیجه در شرایطی که انسان‌ها دارای این حق می‌باشند که از هرگونه بیان تنفرآمیز مصون باشند از این حق که بیانی ابراز گردد و اعتقادات و خواست آن‌ها را مورد چالش قرار دهد بهره‌مند نمی‌باشند. درست است که اعتقادات مذهبی در هویت افراد زیادی نقش بنیادی دارد و حمله به این باورها می‌تواند، تعرض به شخصیت این افراد باشد اما تا جایی که هویت شخصی بر اساس اعتقاداتی از این نوع شکل گرفته باشد، باید بر روی هرگونه انتقاد و تجدیدنظری در پرتو نقد باز باشد در سنت آزادی‌خواهی و نظام‌هایی از این دست این نوع برخورد اساسی‌ترین نقش را دارد در جاییکه عقلانیت و خود حکمرانی از جمله ابعاد مهم بشری است. به طور کلی افراد حق دارند از آزادی مطلق در مشارکت در نظرات و مباحثه برخوردار باشند تا آنجایی که مجاز به نقض

سخت درگیری فی‌مابین مبارزین ایده و عقاید مختلف که در جامعه با هم مبارزه مینمایند ظهور پیدا کند (نیکوکار، ۱۳۹۰: ۴۴). با توجه به توضیحات ارائه شده به نظر می‌رسد بیان تنفرآمیز مذهبی مسیری طولانی‌تر نسبت به بیان تنفرآمیز نژادی در پیش دارد. رویه کشورها و نهادهای ناظر بر کنوانسیون‌ها نشان‌دهنده این مطلب است؛ اما در خصوص بیان تنفرآمیز مذهبی نیز با قطعیت نمی‌توان گفت نظام بین‌الملل حقوق بشر به‌طور کلی ساکت بوده و در این خصوص هیچ‌گونه توجهی وجود ندارد به‌طوری‌که در قضایای مختلفی کمیته و دیوان اروپایی حقوق بشر با ممنوعیت بیان تنفرآمیز با استناد به «حقوق و آزادی‌های دیگران» حمایت از جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی افراد را تأیید نموده‌اند. به‌طور مثال دیوان اروپایی حقوق بشر در دعوی مختلف بیان نموده است که اعمال محدودیت بر آزادی بیان مستند به بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون جهت حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم است. این حقوق شامل حق بر در معرض توهین قرار نگرفتن در خصوص احساسات مذهبی افراد است. در رابطه با بیانات تنفرآمیز مذهبی و تأثیرات آن در جامعه، به نظر می‌رسد رویکرد فعلی حمایت از بیان تنفرآمیز و توصیه به افراد مذهبی جهت بالا بردن بردباری است. اگرچه در این‌گونه موارد باید هر قضیه جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد چراکه امکان دارد بیانی تنفرآمیز و مذهبی حقوق افراد معتقدی را مخدوش نماید و احساسات مذهبی آن‌ها را جریحه‌دار کند که در نتیجه آن افراد از

می‌رسد این نوع نگاه به مسائل مذهبی نیز نگاهی تندرو و افراطی است. همانطوریکه نژاد از جمله اوصافی است که فرد دخالتی در داشتن و یا نداشتن آن ندارد و جزء هویت فرد است مذهب نیز از چنین خصیصه‌ای برخوردار است پس در اینجا بیان‌کنندگان چنین بیانات تنفرآمیزی نیز باید به بهانه‌ی آزادی بیان هرگونه استناداتی را به عقاید و باورهای دیگران انجام ندهند. چگونه می‌توان انتظار داشت برابری و برادری که از جمله اهداف مدنظر حقوق بشر برای دستیابی است محقق گردد درحالی‌که با بیاناتی از این دست نتیجه‌ای معکوس به دست می‌آید. جان استوارت میل (John Stuart Mill) معتقد است فوایدی در بیاناتی که آشفتگیها و آزار روانی برای معتقدین مذهبی ایجاد میکند هم برای جامعه و هم برای فرد قابل تصور است و به‌نوعی این‌گونه بیانات را تشویق و ترویج مینماید. اصل ضرری که جان استوارت میل به آن استناد میکند جهت محدودیت بر آزادی‌های دیگران صرفاً یک پیش‌مقدمه جهت ورود به بحث است. وی معتقد است درجایی میتوان بر مبنای ورود ضرر و اذیت شدن دیگران، حقوق افراد را محدود نمود که در ممنوعیت و اعمال محدودیت بر آزادی بیان منافع بیشتری قابل تصور باشد نسبت به زمانی که بیان به‌صورت نامحدود قابل ابراز است. هتک حرمت و توهینی که مسیحیان، یهودیان و مسلمانان از خواندن مطلب یا دیدن تصویری احساس میکنند امری خوشایند، موردحمایت و مورد تشویق یک جامعه دموکراتیک است، واقعیت باید از دل رویه

شرایطی می‌تواند برابری افراد را زیر سؤال ببرد و آن درجایی است که بیانی تنفرآمیز افراد مخاطب خود را مورد شناسایی به‌عنوان افرادی که از شأن و منزلت و حقوقی برابر با دیگر افراد جامعه برخوردارند به حساب نمی‌آورد. بیان تنفرآمیز می‌تواند امنیت شخصی، رشد و پیشرفت فردی، ابراز شخصیت، حق بر شهروندی و حتی حق بر خرد و تفکر و آزادی روانی و روحی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. در جایکه بیان تنفرآمیز جنبه خصوصی دارد نسبت به موقعیتی که بیان تنفرآمیز جنبه عمومی و علنی دارد تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد در مواردی مثل انتشار کاریکاتور، یا انجام راهپیمایی‌های نژادی، این گروهها یا فرد خاطی قصد دارد یک تنفر شدید و عمیق از گروه مخاطب را نشان دهد و یا قصد در انزوا قرار دادن آنها را داشته باشد، قصد نسل‌کشی و یا اخراج از کشور یا اعمال تبعیض‌های افراطی و حتی سرکوب و خشونت نسبت به آنها از موارد معمول است. این نتایج اگرچه در بیان تنفرآمیز رودررو و مستقیم نیز قابل تصور است اما در این موارد از تأثیرات بیشتری برخوردار است (رهامی و محسنی، ۱۴۰۳: ۳۷) تا آنجایی پیش می‌رود که حتی حقوق هویتی فرد و در یک فرض کلی‌تر گروه را زیر سؤال می‌برد و این افراد را، انسان‌هایی با ارزش مادونی نسبت به دیگر افراد جامعه فرض می‌کند. بیانات تنفرآمیز همانند سوزاندن صلیب، نمایش صلیب شکسته، پخش اعلامیه‌های نژادپرستانه، نوشتن مطالب در وبسایت‌های اینترنتی تمامی این موارد صرفاً

مشارکت در مباحث سیاسی اجتناب نموده و نتیجتاً چنین فردی احساس یک دموکراسی نامشروع را داشته و خود را جدا از پروسه خود حکمرانی دانسته و استقلال شخص نقض می‌گردد.

۴-۶ بیان تنفرآمیز در تقابل با برابری افراد

برابری افراد یکی از اصول مسلم و بنیادینی است که در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. اسناد بین‌المللی که در بردارنده حقوق بشر است جهت حمایت از ارزش‌هایی مثل آزادی و برابری تمامی افراد انسانی تدوین و مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. تمامی افراد، گروه‌ها، نهادها و دولت‌ها موظف می‌باشند آزادی و حقوق افراد را رعایت نموده و تمامی افراد را با یکدیگر برابر فرض نمایند. در صورتی که دولتی و یا فردی در جامعه، افراد دیگر را برابر نداند در نتیجه این نگاه می‌تواند نگاهی تبعیض‌آمیز باشد. آزادی بیان یکی از حقوق مسلم بشری بوده و در تکوین یک جامعه دموکراتیک نقشی اساسی بازی می‌نماید؛ اما در شرایطی امکان دارد با ارزشی دیگر که در جامعه دموکراتیک حائز اهمیت است در تقابل قرار بگیرد. در اینجا است که باید مرز آزادی بیان تعیین گردد. جوامع مختلف در این خصوص تفاسیر و رویه‌های مختلفی دارند. در کشوری همانند آمریکا آزادی بیان از جایگاهی خدشه‌ناپذیر برخوردار است و حتی بیاناتی که آشکارا تنفر را ترغیب نماید مورد حمایت قرار می‌دهد. این در حالی است که دیگر کشورهای دموکراتیک رویه‌ای دیگر در پیش گرفته‌اند. آزادی بیان در

را نقض میکنند آن هم به طوری که عمیقاً هم افراد مورد مخاطب و هم جامعه را به طور کلی تحت تأثیر قرار میدهد.

نتیجه گیری

بیان تنفرآمیز، عنوان و مفهومی است که شامل انواع گفتارهای مشتمل بر نفرت انگیزی است. این نوع بیان، مصداق و جلوه بارز خشونت کلامی نسبت به مخاطب است که می تواند به سبب تنفر آشکار از او به سبب برخورداری از افکار یا عقاید خاص یا تعلق به فرهنگ یا نژاد خاصی رخ دهد. بیان تنفرآمیز در اسناد بین المللی حقوق بشری مربوط به خشونت و نفی خشونت نیز مورد توجه بوده است و در تحقیق حاضر کوشش شد رویکرد این اسناد نسبت به این نوع بیان به عنوان نمونه آشکار خشونت ورزی از جمله به صورت کلامی، مورد بحث قرار گیرد. نکته مهم در تحلیل مفهوم بیان تنفرآمیز و تحلیل ارتباط آن با خشونت کلامی، این است که آزادی بیان که امروزه از جمله حق های مسلم و قطعی بشری محسوب می شود، هرگز مبنا و توجیه منطقی و کافی برای ارتکاب بیان تنفرآمیز محسوب نمی شود. این در حالی است که رویکردها و گفتمان های رقیب، آزادی بیان را با دیدگاهی مطلق انگارانه تحلیل کرده و بر این باور شکل گرفته اند که این حق به هیچ وجه نمی تواند محدود گردد اما به نظر می رسد با توجه به ممنوعیت بیان تنفرآمیز و نیز جلوه های خاص آن از جمله خشونت های کلامی به ویژه نسبت به بزه دیدگان خاص و گروه های آسیب پذیر موضوع این قبیل

ابراز یک عقیده انتزاعی نیست، عقیده های است که بار توهین آمیز هم در بر دارد. اغلب مراد از بیان چنین مفاهیمی ترساندن و محروم کردن گروهی قابل شناسایی از آزادی های سیاسی قابل تصور برای ایشان است. پیامی که این گونه بیانات تنفرآمیز در بردارد این است که تفاوت های نژادی-مذهبی، ملی و جنسیتی تمایزات ماهیتی، منزلتی، وضعیت سیاسی و حقوقی و شخصیتی را به دنبال دارد (Alexander, ۲۰۰۹: ۵۲۱). همه افراد حق برابر در بیان عقاید و مشارکت در مباحثات اجتماعی و سیاسی دارند. در عین حال ایده برابری در رأس بسیاری از حقوق دیگر که توسط قوانین اساسی و قواعد حقوقی و مدنی مورد حمایت هستند، موجود است. بیان تنفرآمیز می تواند حق بر مورد شناسایی واقع شدن را نقض نماید و حتی برابری افراد را منکر شود. پس در نتیجه آزادی بیان میبایست در یک چارچوب وسیع تری از حقوقی که بر مبنای شأن و منزلت و استقلال فردی است، درک شود. حقوق برای بشریت به وجود آمده اند یعنی آنکه یک فرد از حقوق خود در ارتباط با دیگران بهره مند نمیشود مگر آنکه دیگران وی را به عنوان یک شخص مورد شناسایی قرار دهند. شناسایی اساسی ترین حقی است که افراد میتوانند داشته باشند حقی که مبنایی برای دیگر حقوق است، در عین حال شناسایی متقابل رابطهای است که جامعه سیاسی را شکل میدهد. پس تمامی افراد این تکلیف را دارند که یکدیگر را به عنوان موجود بشری و شهروند مورد شناسایی قرار دهند. در شرایطی بیان تنفرآمیز این تکلیف

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی،
۱۳۹۰.

Bourgeois, Philippe, Recognizing Invisible Violence: A Thirty-Year Ethnographic Retrospective, in: Barbara Rylko-Bauer, Linda Whiteford, and Paul Farmer, eds., Global Health in Times of Violence. Santa Fe, NM: School of Advanced Research Press, 2010.

Brandt, Eric, Why Protect Free Speech, Hare, Ivan and et.al., Extreme Speech and Democracy, Oxford Publication, 2009.

Bright, Abigail, Hate Speech and Equality, University College London, 2011.

Chakraborti, N. and Garland, J., Hate crime: impact, causes and responses. London: Sage. 2010.

Christie, D. J, Wagner, R. V., & Winter, D. A., Peace, Conflict, and Violence: Peace Psychology for the 21st Century, Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, 2010.

Christie, D. J, Wagner, R. V., & Winter, D. A., Peace, Conflict, and Violence: Peace Psychology for the 21st Century, Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, 2010.

Crabtree, Vixens, United Kingdom's Blasphemy Law; Sec1, London, Mansell, 2011.

Darrin Hodgetts, Kerry Chamberlain, Shiloh Groot and Yarden Tankel, Urban Poverty, Structural Violence and Welfare Provision for 100 Families in Auckland, Urban Studies, 2013.

David, Charls. And et.al, On The Justification of The Hate Speech Legislation, Dalhousie University Publication, 2008.

Delgado, Richard and et.al, Four Observation About Hate Speech, Wake Forest Law Review, Vol. 44, 2009.

Dignan, Prome, Oral Violence, RRL Co, 2015.

Earle, Benjamin, Poverty, Structural Violence, and Harm in Ontario, Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts in The Faculty of Social Science

خشونت‌ها باید بر این اعتقاد بود که امثال به بیان تنفرآمیز، نمی‌تواند بر اساس اعتقاد به آزادی بیان، رخ دهد و مقوله‌ای نامحدود تفسیر گردد. بر این اساس، همچنان که آزادی بیان، یک حق بشری محسوب می‌شود، ولی هرگز نمی‌تواند دستاویزی برای توسل به بیان تنفرآمیز و ارتکاب خشونت کلامی به صورت خاص باشد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

آپاکنهاد، امیر، احساس ناامنی و ترس از جرم، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۴۰۰.
رهامی، روح‌الله و فاطمه محسنی وجیهانی، تقابل آزادی بیان و توهین‌های مذهبی در نظام اروپایی حقوق بشر، دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، دوره ۱۹، شماره ۱ (پیاپی ۳۷)، تیر ۱۴۰۳.
سودمندی، عبدالمجید و سودمند مستقیمی قمی، سخنان نفرت زا در نظام بین‌المللی حقوق بشر، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۲، پیاپی ۷۲، تابستان ۱۳۹۰.
صالحی، کریم و فاطمه علی‌اصغر زاده، سیاست جنایی مشارکتی و اجرایی ایران در قبال خشونت کلامی، مجله مطالعات حقوقی، دوره جدید، شماره ۲۱، زمستان ۱۴۰۰.
نیکوکار، حمیدرضا، بررسی بزرده‌دیده شناختی ترس از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی،

- support in Europe: A practical guide, Dresden: RAA Sachsen E.V., 2016.
- Krause, Kathleen, H. Robert, G. Vander end, K. & Yount, K., Why Do Women Justify Violence against Wives More Often than Do Men in Vietnam?, Journal Interpers Violene, 2015.
- Lori A. and Stiegel, JD, Legal Issues Related to Elder Abuse: A Pocket Guide for Law Enforcement, American Bar Association Commission on Law and Aging, 2019.
- Mary Dwyer, Kathleen, Consequences of the American Dream: The Impacts of Structural Violence on Honduran Migration to the United States, thesis for the Master of Arts degree in the Conflict and Dispute Resolution Program, University of Oregon, June, 2012.
- Montesanti, Stephanie Rose, Thurston Wilfreda , Mapping the role of structural and interpersonal violence in the lives of women: implications for public health interventions and policy, Women's Health, 2016.
- Post, Robert, Hate speech, Hare, Ivan. ,Et.Al. ,Extreme Speech and Democracy, Oxford Publication,2009.
- The Crown Prosecution Service, Disability Hate Crime and other crimes against disabled people - prosecution guidance, CPS, 2019.
- Tsesis, Alexander, Dignity and Speech, Wake Forest Law Review , Vol. 44 , 2009.
- Vander Ende, K. E. Sibley, L. M. Cheong, Y. F. Naved, R. T. & Yount, K. M. Community Economic Status and Intimate Partner Violence Against Women: Compositional or Contextual Effects?, Violence Against Women , ۲۰۱۵ : (۶) ۲۱
- and Humanities, University of Ontario Institute of Technology, 2016.
- Fenwick, Helen, et.al, Media Freedom Under Human Rights Act, Oxford University Press, 2006.
- Fred, John, Verbal abuse and harassment in public, Criminal Defence Lawyers Australia, 2015.
- Galtung, J., Peace, Conflict and Violence, In: Hintjens, H. and Zarkov, D. (eds.), Conflict, Peace, Security and Development: Theories and Methodologies. London: Routledge, 2014.
- Han, Eun Hee ,Hate Crime and Hate Speech, The Georgetown Journal of Gender and Law , Vol VII :679 ,2006.
- Herrick, Clare, Structural violence, capabilities and the experience of alcohol in Cape Town, Contested Development Working Paper Series Department of Geography, King's College London, 2015.
- Hoong Sin, Chih, Disabled people's experiences of targeted violence and hostility, Research report: 21, Office for Public Management, 2016.
- Huot, Danielle and Pain, Adam, Structural Violence in Afghanistan: Evidence from Herat and Kandahar, Paper to DSA Panel on 'Power, Politics and Development in Afghanistan', Oxford, September 2016.
- Iganski, P. and Lagou, S., Hate Crimes Hurt Some More Than Others: Implications for the Just Sentencing of Offenders. Journal of Interpersonal Violence 30 (10). 2015.
- J corlett, Angelo. ,Francesotti, Robert, Foundation of Theory of Hate Speech, The Wayne Law Review , Vol. 48, 2002.
- J haymen ,Steven, Hate Speech, Public Discourse and First Amend ment, Hare, Ivan and et.al,Extreme Speech and Democracy,Oxford Publication, 2009.
- Katharina Anna, Sodoma, Emotional Gaslighting and Affective Empathy, International Journal of Philosophical Studies, 2022.
- Kees, S., Iganski, P., Kusch, R., Swider, M. and Chahal, K., Hate crime victim